

## کاهش جرم در پرتو مؤلفه‌های مددکاری اجتماعی\*

جواد صالحی\*\*

### چکیده

مشکلات و نارسائی‌های افراد در جامعه ناشی از مسائل اجتماعی است. یکی از این نارسائی‌ها شیوع گسترده عوامل جرم‌زا در جامعه است. دانش قضایی با قانون‌گذاری و به مجازات رسانیدن مجرمان نه تنها نتوانسته است از حجم گسترده این عوامل بکاهد، بلکه به ارتکاب جرم دامن زده است. محققان علوم جرم‌شناسی و کیفرشناسی با توسعه مطالعات خویش بر روی مجرمین و علل وقوع جرم سعی کرده‌اند، آلام ناشی از آن را کاهش دهند و توجه دانش حقوق جزا و قانون‌گذار را به پیش‌گیری از تکرار معطوف سازند. دانش جرم‌شناسی با توجه به طبع پذیرش و استمداد از کلیه علوم اجتماعی، در مطالعات خویش به مددکاری اجتماعی روی آورده است.

با توجه به محیط و موضوع کار مددکار اجتماعی نقاط اشتراکی برای همکاری میان این دو علم حاصل گردیده است. چراکه مددکار اجتماعی در شرایطی موفق است که بتواند بر مسائل و معضلات اجتماعی فائق آید. از این رو شناخت مسائل اجتماعی و نارسائی‌های موجود که عمدتاً زمینه‌ساز جرم است، زمینه پیشرفت بهتر مددکاری اجتماعی را تسهیل می‌کند.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱۹

\* تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۳

Salehi@punk.ac.ir

\*\* مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور کرمان

در این مقاله سعی بر آن است تا نقش مددکاری اجتماعی را در کاهش جرم، از طریق اقداماتی که پس از وقوع جرم به منظور جلوگیری از تکرار آن صورت می‌گیرد، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

**واژگان کلیدی:** کاهش جرم، مددکاری اجتماعی، جرم‌شناسی، جرم، مددجو

## مقدمه

جرم که یک پدیده جهانی و اجتماعی است و با خلقت بشر، تحت عناوین سرپیچی، سرکشی، رفتار ناشایسته و ناپسند آغاز گردیده است، یکی از مفاهیم و موضوعات جرم‌شناسی است. جرم از منظر علوم مختلف مورد تعریف قرار گرفته است. از منظر حقوق، نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده شده است. در حالی که از منظر جامعه‌شناسی، جرم یک پدیده طبیعی و دائمی است و در هر زمان و مکان اتفاق می‌افتد. در عین حال جرم با تحولات اجتماعی تغییر نمی‌یابد و نزد وجدان قاطبه مردم زشت و ناپسند است و احساسات اجتماعی را متأثر می‌سازد.

از دیدگاه جامعه‌شناس فرانسوی، دورکیم، جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌گردد و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود. بنابراین ارتکاب جرم یک پدیده طبیعی است و علل استثنایی در بروز آن تأثیری ندارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۷۶۰) جرم ناشی از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع است. تا اجتماع و نظام آن باقی است، جرم نیز دارای خصوصیت دائمی خواهد بود.

به نظر دورکیم جرم بهنجار است. زیرا تصور وجود جامعه‌ای عاری از آن محال است. جرم ضروری است و به شرایط اساسی حیات اجتماعی بستگی دارد. شرایطی که با جرم بستگی دارد، برای تصور بهنجار اخلاق و حق لازم است (نجفی ابرندآبادی، همان: ۷۶۲). جرم نه تنها حاکی از آن است که جامعه از تغییرات ضروری بازمانده است، بلکه در برخی موارد مستقیماً زمینه را برای این تغییرات آماده می‌سازد.

از دیدگاه جرم‌شناسان، ناسازگاری افراد در اجتماع، عمل ضداجتماعی و جرم تلقی می‌شود. در جرم‌شناسی نه تنها فعل و یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات پیش‌بینی شده است، جرم می‌نامند، بلکه هر عملی را که مضر به وضع اجتماع باشد و اعمالی را که در قوانین کیفری برای آن مجازاتی پیش‌بینی نشده است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. از همین رو کج‌روی و انحراف‌ها در مقوله جرم‌شناسی قرار می‌گیرد.

اما با این وجود در جرم‌شناسی نیز، کلینیک جرم سازمان زندان‌ها است. در این سازمان، اداره پذیرش و تشخیص، نقش معاینه و آزمایش را برعهده دارد. هدف از این تلاش آن است که محکوم علیه پس از اتمام دوران حبس، اصلاح شده از زندان خارج گردد (بولک، ۱۳۸۰: ۷۰-۷۴).

در کیفرشناسی و علم زندان‌ها، مسائل مربوط به طرز اجرای کیفر و اقدامات تأمینی، روش‌های اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و چگونگی منطبق نمودن آن‌ها با شخصیت بزهکاران، تشکیلات و سازمان زندان‌ها و سایر مؤسسه‌های اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و اصولی که رعایت آنها سبب اصلاح و تربیت بزهکاران و آماده نمودن آنها برای زندگی عادی اجتماعی است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

در کیفرشناسی و علم زندان‌ها با استفاده از جرم‌شناسی بالینی، با تشکیل پرونده شناسایی شخصیت (تحقیق و پژوهش اجتماعی، آزمایش‌های پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی) علل ارتکاب جرم و با اجرای روش‌های خاص در محیط بسته (نگهداری در زندان‌ها یا مؤسسه‌های اصلاحی، تربیتی و درمانی یا در محیط باز، اجرای روش نیمه آزادی (آزادی با مراقبت) سعی می‌شود که از تکرار جرم پیش‌گیری به عمل آید (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۴۹-۱۴۷). به همین لحاظ است که می‌توان گفت آیین‌نامه سازمان زندان‌ها به مثابه ساختار یک درمانگاه

ترسیم شده است. زمانی که مجرم وارد زندان می‌شود، ابتدا در بخش پذیرش مستقر می‌شود. حدود یک ماه طول می‌کشد تا پرونده شخصیت وی تهیه و تکمیل شود. سپس در شورای طبقه‌بندی زندانیان، با توجه به پرونده اولیه وی، برای او محلی مناسب جهت تحمل کیفر مشخص می‌گردد (بولک، همان: ۱۳۲-۱۳۷). از این رو نقطه اتصال میان جرم‌شناسی و کیفرشناسی حاصل می‌گردد. چرا که در جرم‌شناسی نیز با بررسی پرونده و سوابق بزهکار و اثرات حاصل از اجرای کیفرها، روش‌های مختلف برای جلوگیری از بروز و یا تکرار جرایم ارائه می‌گردد. در نتیجه، این دو علم به یکدیگر وابستگی کامل دارند (دانش، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۳).

از نظر جرم‌شناسی، پیش‌گیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است. یعنی پیش‌گیری اجتماعی از تکرار جرم مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. عوامل اجتماعی نقش عمده‌ای در بزهکاری مجدد افراد دارند (فرجیهای قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۴۷-۱۴۹). از طرف دیگر، شناسایی شخصیت بزهکار برای منطبق نمودن روش‌های اجرایی دارای اهمیت است. بدون شناسایی علل ارتکاب جرم، اجرای هر نوع روشی برای اصلاح، تربیت یا درمان بزهکار و پیش‌گیری از تکرار جرم اثر مطلوبی ندارد.

مددکاری اجتماعی به‌عنوان یکی از علوم بین‌رشته‌ای، که با موضوع جرم و جرم‌شناسی سروکار دارد، به صورت متقابل با مفاهیم حقوقی عجین شده است. یکی از موضوعات پیش‌روی مددکاری اجتماعی، بحث بزه و پیش‌گیری از جرم است. البته این نوع پیش‌گیری (پیش‌گیری فردی) از دایره جرم‌شناسی پیش‌گیرانه (به معنای مضیق) خارج است. چرا که پیش‌گیری فردی از جرم، زمانی اعمال می‌شود که محکومیتی صورت گرفته و به جهت جلوگیری از سقوط مجدد محکوم علیه در ورطه

بزهکاری اعمال می‌گردد. لذا پیش‌گیری مطرح در اقدامات مددکاری اجتماعی در قالب اقدامات اصلاحی و اجتماعی و پیش‌گیری ثانویه<sup>۲</sup> و ثالث<sup>۳</sup> می‌گنجد.

اصطلاح بزهکاران مترادف با پیش‌گیری از تکرار جرم است و به این معناست که قبلاً جرمی اتفاق افتاده است و مجازاتی در حال اجرا است. لذا این محکومیت و نحوه اجرای آن باید جنبه بازپرورانه و اصلاحی داشته باشد. پس می‌توان پیش‌گیری از تکرار جرم را از مصادیق معمول در جرم‌شناسی بالینی<sup>۴</sup> شناخت. چرا که در جرم‌شناسی بالینی ما نیز با بزهکاران، یعنی کسانی که در اختیار دستگاه عدالت کیفری قرار دارند، سروکار داریم (هیوز، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۳۲).

مؤلفه‌های مددکاری اجتماعی اگرچه با مؤلفه‌های جرم‌شناسی بالینی تفاوت چشمگیری دارد، اما منظور و مقصود این دسته از علوم چیزی جز اصلاح مجرمین نیست. حتی افزون اینکه مددکاری اجتماعی به لحاظ دخالت در مرحله ماقبل بزهکاری (آستانه خطر) با اقدامات پیش‌گیرانه ثانویه می‌تواند چیزی فراتر از جرم‌شناسی بالینی که مختص مرحله پیش‌گیری ثالث است، تلقی گردد. مددکاری اجتماعی، حرفه‌ای مبتنی بر دانش، اصول، مهارت و روش‌ها است که هدف از آن کمک به افراد، گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر توانایی‌ها و امکانات موجود، به استقلال نسبی و رضایت خاطر فردی برای حل مشکلات رویاروی خود دست یابند. مددکار اجتماعی موقعیت‌هایی را که در آن نیاز مددجو و افراد مشخص دیگر وجود دارد، کشف و ارزیابی می‌کند.<sup>۵</sup> یکی از این موقعیت‌ها، زمانی است که بزهکار<sup>۶</sup> در چنگال عدالت در حال تحمل مجازات است. براساس یافته‌های این اکتشاف، برنامه کاری برای از بین بردن موانع کارایی در موقعیت ایجاد و قراردادی میان مددکار و مددجو منعقد می‌شود. مددکار اجتماعی به مددجویان یا اعضای گروه کمک می‌کند تا خودشان مسئولیت انجام کارهای خویش را شخصاً به عهده گیرند و استعداد و توانایی‌های خویش را

برای حل مشکلات و مسائل زندگی به کار ببرند. یکی از زمینه‌های شناخت و به کارگیری استعداد فردی، موقعیت پس از وقوع جرم توسط افراد است. در این مرحله، برای آنکه مددجویی بتواند مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد و در حل مشکل خویش مؤثر باشد، لازم است تا به مددجو فرصت داده شود تا براساس موقعیت خویش، از امکانات موجود آگاهی کسب کند و درباره نتایج و پیامدهای اجتماعی، پیش‌بینی و انتخاب یک مسیر بیندیشد. در پرتو این مسائل، مددجو قادر می‌شود تا راه‌هایی را انتخاب کند که به رشد و بالندگی برسد و ضمن حل مشکلات خود به راحتی با بحران‌ها روبرو شود. البته در این مسیر ابتدا توانایی‌های افراد و آگاه کردن آنها از این توانایی‌ها و سپس کمک به شکوفایی استعدادهای بالقوه آنها صورت می‌گیرد.

### مددکار اجتماعی

مددکار اجتماعی که دارای مهارت برای ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر و توسعه روابط است، در یک موقعیت امداد رسانی، از دانشی بهره می‌گیرد که باعث درک افراد در موقعیت‌های مختلف شده، دانش لازم برای روش‌های امداد رسانی را فراهم آورده، وسیله‌ای برای پیاده سازی آن روش‌ها می‌سازد. ضمن آن که مددکار براساس ارزش‌های حرفه‌ای، ارزش‌های جامعه و ارزش‌های شخصی خود، یک سیستم ارزشی می‌سازد.

مددکار اجتماعی باید دو دسته از دانش‌ها را به طور نظری فرا گیرد: الف) اطلاعات خاص حرفه مددکاری. ب) اطلاعات عمومی از علوم و دانش‌های دیگر از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، کیفرشناسی و مردم‌شناسی. به همین دلیل است که مددکاری اجتماعی از علوم بین رشته‌ای است. در واقع، آگاهی عمومی مددکار اجتماعی از رشته‌های دیگر علوم، او را در خدمت‌رسانی بهتر و برطرف کردن

مشکل مراجع، خواه از طریق افزایش مهارت یا ارجاع درست مراجع به متخصص، یاری می‌دهد.

در مددکاری اجتماعی، دستیابی به استقلال نسبی مهم است. مددکار اجتماعی با استفاده از توانایی‌های گروه هدف و منابع موجود در جامعه زمینه ایجاد استقلال نسبی افراد را فراهم می‌کند، تا آن‌ها بتوانند بدون نیاز به حمایت و کمک مستمر دیگران به زندگی سالم خود ادامه دهند (مافت و اشفورد، ۱۳۷۹: ۳۲-۴۱). بنابراین وظیفه مددکار اجتماعی این است که در کار با گروه‌های هدف<sup>۷</sup> اعم از فرد، گروه یا جامعه، آنها را با توانایی‌ها و استعدادهای خود و منابع موجود در جامعه آشنا کند، تا از این توانایی‌ها برای حل مشکلات یا رفع نیازها استفاده کنند و در انجام امور، وابسته به مددکار اجتماعی نباشند.

مددکار اجتماعی کارآمد، مهارت‌های مدرسانی خود را توسعه می‌دهد. این مهارت‌ها عملکردهای درست افراد بشر هستند و محرمانه و مختص گروهی خاص نیستند. از این مهارت‌ها برای افرادی استفاده می‌شود که در عملکرد اجتماعی مشکل دارند و نمی‌توانند مسئولیت‌های معمول در اعمال متقابل انسانی را انجام دهند. از این مهارت‌ها برای مردمی استفاده می‌شود که زمینه فرهنگی اجتماعی متفاوتی از مددکار در زمینه اعمال متقابل دارند. از این‌رو، این مهارت‌ها باید با اعمال متقابل انسانی هماهنگ باشند. این مهارت‌ها، عبارت‌اند از:

۱. مهارت درک شخص در موقعیت و کمک به افراد دیگر در شناخت خودشان

در موقعیت؛<sup>۸</sup>

۲. مهارت ایجاد شرایطی که مشوق عمل متقابل باشد؛<sup>۹</sup>

۳. مهارت حل مشکلات مددجو؛<sup>۱۰</sup>

۴. مهارت ارتباط با دیگران.<sup>۱۱</sup>



وظیفه‌ی خطیر مددکار از سه طریق متبلور می‌شود که عبارت‌اند از:

#### الف) مشاوره:

مددکار اجتماعی با ارائه‌ی نظریات مشورتی خود به گروه کمک می‌کند. این نظریه‌ها می‌تواند در زمینه‌ی عملکرد گروه یا کمک به انجام وظایف گروه باشد. مشاوره مستلزم آن است که مددکار سؤال کند و اطلاعات و پیشنهادها را لازم را ارائه دهد. این نوع مشاوره راهی برای قادر ساختن گروه برای شرکت در ارزیابی جمعی مددجویان در موقعیت و نیز در نظر گرفتن چاره‌کار برای فزونی راه حل مشکلات، توسعه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های عملی است.

#### ب) تسهیل:

تسهیل روندی است که به دیگران توانایی عمل می‌دهد. تسهیل روند گروهی یکی از اشکال این وظیفه است که مددکاران اجتماعی می‌توانند این وظیفه را به روش‌های متعدد انجام دهند. آنها می‌توانند رفتارهای سودمند اعضای گروه، الگوهای رفتاری مفید، طرح‌سؤالات مناسب یا ارائه‌ی مشاهدات مناسب را حمایت کنند؛ آنها می‌توانند به اعضای گروه، اطلاعاتی در مورد روند گروهی و عملکرد آن بدهند. روش دیگر تسهیل، کمک کردن به اعضای گروه است که در مورد موضوع اصلی بحث کنند، آنچه را که گفته یا تصمیم گرفته شده است، خلاصه‌بندی کنند و به دیگران اجازه دهند که بدانند این موارد را به‌خوبی احساس می‌کنند.

### ج) هماهنگی:

هماهنگی مستلزم هدایت و کنترل این مسئله است که تمامی اعضای وظایف مربوط به خود را انجام دهند و وظیفه هریک از اعضای گروه به طریقی انجام گیرد که مکمل اعضای دیگر باشد.

بیشتر هماهنگی از طریق ایجاد روابط به وجود می‌آید. مددکار اجتماعی سعی می‌کند به موقعیت اعضای دیگر گروه و نیازهای هریک از افراد توجه کند. مددکار اجتماعی از طریق ارتباط با اعضای گروه، سعی در از بین بردن تفاوت‌ها دارد. مددکاران اجتماعی با داشتن دید وسیع در عملکرد شخصی و اجتماعی، توانایی انجام این کار را دارند (زاهدی اصل، ۱۳۷۳: ۷۰-۷۴).

## اصول حاکم بر مددکاری اجتماعی

### الف) اصل پذیرش

یکی از مهم‌ترین اصولی که مددکاران اجتماعی باید رعایت کنند، اصل پذیرش است. این اصل به مددکار اجتماعی می‌آموزد که مراجع را آن‌چنان‌که هست باید بپذیرد و با او برخورد کند و تعصب‌های قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی، جنسی و ... را در نحوه برخورد با مراجع مداخله ندهد.

مددکار هر مراجع را با هر مشکلی که دارد، در مقام انسان می‌پذیرد و نحوه رفتار او به گونه‌ای نیست که مراجع احساس کند مددکار او را طرد می‌کند و نسبت به او بی‌اعتناست. بی‌اعتنایی، تکبر و غرور مغایر اصل پذیرش است. اگر مددکار اجتماعی در برخورد اولیه، که سنگ بنای ارتباطات بعدی است، با پذیرش مناسب و احترام به مراجعان بتواند اعتماد آنها را جلب کند، در ادامه کار با مشکل کمتری مواجه خواهد شد.

**ب) اصل فردیت**

یکی از اصول مددکاری اجتماعی در کار با مراجع، توجه به اصل فردیت است. این اصل به معنی شناسایی و درک کیفیت‌های منحصر به فرد هر مددجو و استفاده از اصول و روش‌ها به طرق مختلف است. اصل فردیت، مددکار اجتماعی را متوجه وضع و حالت‌های خاص مراجع در تدوین برنامه‌های کمکی برای حل مشکلات یا نیازهای آنها می‌نماید.

در پرتو این اصل است که مددکار به محض مشاهده برخی از خصوصیات مشترک در بین مراجعان راهکارهای یکسان و مشابهی انتخاب نمی‌کند. مددکار حتی برای مراجعی که با مشکلی واحد در دو مقطع زمانی مراجعه می‌کند، نمی‌تواند راهکارهای یکسان تدوین نماید. زیرا ممکن است شرایط مراجع و عوامل مؤثر در بروز مشکل در دو مقطع متفاوت باشد.

**ج) اصل رازداری حرفه‌ای**

یکی دیگر از اصول مددکاری اجتماعی اصل رازداری حرفه‌ای است. رازداری مفهومی گسترده دارد و تعیین حد و مرز آن به سادگی امکان پذیر نیست. در واقع روابط بین دو فرد، این حد و مرز را مشخص خواهد کرد.

**د) اصل رابطه حرفه‌ای**

یکی از مهم‌ترین اصول مددکاری اجتماعی اصل رابطه حرفه‌ای است. نشان مشخص هر رابطه حرفه‌ای عبارت از آگاه بودن از مقصود و منظوری خاص است که از آگاهی بر نحوه رسیدن به هدف ناشی می‌شود (پرلمن، ۱۳۷۱: ۱۲۳-۱۲۶). به‌طور

کلی رابطه حرفه‌ای، رابطه‌ای کنترل شده است که عمدتاً بین مددکار اجتماعی و مراجع برای کمک به رفع مشکل یا نیاز او ایجاد می‌شود.

### ۵ اصل مشارکت مراجع

مراجع باید در سرتاسر فرایند مددکاری اجتماعی، از جمله موارد زیر، مشارکت کند:

- ۱) در مرحله جمع آوری اطلاعات یا مرحله اطلاعات؛
  - ۲) در مرحله تشخیص مشکلات یا نیازها و دسته‌بندی آنها؛
  - ۳) در مرحله تدوین برنامه کمکی برای رفع نیاز یا حل مشکلات؛
  - ۴) در مرحله اجرای برنامه‌های تدوین شده؛
  - ۵) در مرحله پی‌گیری و پس از ترخیص؛
  - ۶) در مرحله ارزیابی برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده.<sup>۱۲</sup>
- شرکت دادن مراجعان در فرایند مددکاری اجتماعی، اصلی مهم است که پیامدهای گوناگونی دارد. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از:
- ۱) مسئولیت‌پذیری مراجعان برای حل مشکل، رفع نیاز با مشارکت آنان افزایش می‌یابد.
  - ۲) اصل مشارکت، نوعی توجه و احترام به آنها محسوب می‌شود.
  - ۳) مراجعان مهارت‌های لازم را برای مقابله با مشکلات در شرایط دیگر کسب می‌کنند.
  - ۴) اعتماد به نفس و عزت نفس آنها تقویت می‌شود.

## (و) اصل خودآگاهی مددکار اجتماعی

مددکار خوب مددکاری است که:

- (۱) علایق، اعتقادات، باورها و ارزش‌های مورد احترام خود را خوب بشناسد و در عین حال متوجه باشد که آن‌ها را نه مبنای کمک به مراجعان قرار دهد و نه به مراجعان تحمیل کند؛
- (۲) بتواند نقش‌های اجتماعی متفاوتی که در جامعه ایفا می‌کند (مانند کارمند، پدر، مادر، همسر و فرزند) را از هم تفکیک کند و نگذارد که در هنگام عرضه خدمات مددکاری اجتماعی، سایر نقش‌ها رفتار او را تحت تاثیر قرار دهند و موجب شوند که در ایفای نقش مددکاری اجتماعی قصور و کوتاهی صورت گیرد؛
- (۳) هرگز تجارب زندگی اجتماعی خود را، چه تلخ و چه شیرین، مبنای برخورد با مراجع قرار ندهد و بر اساس تجارب قبلی خود پیش‌داوری نکند. چرا که تجاربی که او در زندگی کسب کرده است، لزوماً شبیه تجارب مراجعان نیست؛
- (۴) به‌عنوان یک فرد حرفه‌ای باید قوت‌ها و ضعف‌های خود را بشناسد و درصدد برطرف کردن ضعف‌های خویش برآید؛
- (۵) خودآگاهی او محدود به زمان خاصی نباشد. از این‌رو، پیوسته وجوه قوت و ضعف خویش را بررسی کند، چون ممکن است در طی زمان، باورها، اعتقادات، شرایط زندگی و نقش وی در حیات اجتماعی تغییر کند (مافت و اشفورد، همان: ۱۲۷-۱۳۳).

## نتیجه گیری

امروزه با افزایش بی‌حصر و حد جرم در جامعه و اهمیت یافتن حل این معضل به صورت ریشه‌ای، تفکر مجازات‌محوری به تفکر درمان‌محوری مجرمین تغییر موضع داده است. استفاده از ابزارهای مجازات جای خود را به ابزارهای درمان و مطالعات اجتماعی، اقتصادی داده است. دانش مددکاری اجتماعی با بهره‌گیری از تحقیقات علوم اجتماعی به عنوان بازوی قوی، در خدمت دانش جرم‌شناسی قرار گرفته است. فی‌الواقع جرم‌شناسان با مطالعه علل موجد جرم از دانش مددکاری اجتماعی غافل نمانده‌اند. چرا که جرم‌شناسی و مددکاری اجتماعی در راستای پیش‌گیری ثانویه و ثالث دارای نقاط اشتراکی هستند.

مددکار اجتماعی با دخالت در مرحله پس از وقوع جرم، با در نظر گرفتن علل وقوع جرم سعی می‌کند بر مسائل اجتماعی و نارسائی‌های موجد جرم اشراف یابد. مددکار اجتماعی با ایجاد تحولاتی در محیط زندان و شناساندن شخصیت و استعدادها و توانایی‌های مددجو به وی، تلاش می‌کند تا دریچه‌ای نورانی به سوی او بگشاید، تا در پرتو آن از تکرار جرم و بازگشت مددجو به دنیای جرم جلوگیری شود. چرا که هدف اصلی فعالیت‌های مددکاری، رسیدن به مرحله خودیاری، یعنی آموزش مهارت‌هایی به افراد برای حل مشکلات در سیر دست‌یابی به اهداف متعالی است.

مددکاری اجتماعی از دو بعد فردی و اجتماعی سعی کرده است تا به کاهش جرم از طریق خنثی کردن مسیر بازگشت مجرم به ارتکاب مجدد جرم کمک کند. این رشته از علوم در جنبه فردی به تناسب نوع جرم و شخص مجرم به شیوه‌های پزشکی، روان‌درمان و مذهب و اخلاق‌درمان، و از بعد اجتماعی به مسئله حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی متوسل شده است.

از حیث بعد فردی در پرتو مطالعات دانش مددکاری اجتماعی شکی باقی نمانده است که در جرائمی که ریشه آن زیستی است، مادام که بیماری درمان نشود، انحراف و آسیب قابل پیش‌گیری نیست. در رابطه با روان‌درمانی، روان‌کاوان، روان‌پزشکان و مددکاران با هماهنگ کردن اجزاء مختلف شخصیت و تقویت آن در امر آسیب‌پذیری، تغییر ساخت و پیکربندی اجتماعی و نهادی فردی و اعاده حیثیت او، رفع تعارضات روانی، واقف کردن فرد به منشأ تعارض و رفتار خود، حل عقده‌ها، دگرگون کردن محیط زندگی، به‌ویژه محیط عاطفی و ایجاد زمینه برای تعلقات جدید نیز مثمرتر واقع شده‌اند.

از جنبه مذهب و اخلاق‌درمانی سعی شده است تا از طریق احیای وجدان، تکیه بر فطرت، رشد زمینه اعتقادی صحیح، اعتلای سطح فرهنگ و فکر افراد، واداشتن افراد به تفکر و تعمق در جنبه‌های رفتاری خود، انتقاد سازنده و ایجاد زمینه شک و تردید در مورد صحت رفتار، از بازگشت مجدد مجرم به محیط مجرمانه پیش‌گیری شود. چرا که بسیاری از جرایم، ناشی از احساس گناه است. لذا ضروری است اندیشه آن را با توبه و بازگشت، از طریق جبران خسارت مادی و معنوی تخفیف یا تسکین دهیم.

اما از بعد اجتماعی در پرتو حل مشکلات اقتصادی، روشن است که بیماران و منحرفان را باید از مجال‌های زندگی بهره‌مند کرد، تا در محیط اجتماعی خویشاوندی به سر برند. درمان‌ها با کار و اشتغال آمیخته شود و از آن بابت که بیکاری منشأ بسیاری از لغزش‌ها و وسوسه‌ها است، ایمن‌سازی صورت گیرد. از حیث توجه به فرهنگ نیز لازم است تا عرضه و ارائه فلسفه‌ای صحیح از حیات، ارزیابی آداب و رسوم و شعائر و تشریفات، تبلیغ مذهب و اخلاق، تشویق به اصلاح خود و گسترش تفریح‌های سالم، فرصت‌های مجرمانه ریشه‌کن شوند و استفاده از ابزار زندان برای طرد مجرم از جامعه، برای افرادی باشد که در آنها امید و اعتمادی به اصلاح شدن و زندگی اجتماعی نباشد.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- جرم‌شناسی علم شناخت پدیده مجرمانه یعنی علل تکوین جرم و خصوصیات چگونگی ارتکاب جرم و دانش شناخت علل و عوامل ارتکاب و ماهیت جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۸۸۴).
- ۲- پیش‌گیری ثانویه یا سطح دوم، عبارت از مداخله در حالت‌های خطرناک است؛ مداخله در حالت‌هایی که در آستانه وقوع جرم قرار دارد. غایت این پیش‌گیری، تشخیص محل و وضعیتی است که در فراهم کردن زمینه جرم نقش فعالی دارد. این پیش‌گیری که در آستانه ارتکاب جرم است، مربوط به حالتی است که جرم در شرف وقوع است.
- ۳- پیش‌گیری ثالث یا سطح سوم، مجموعه تدابیری است که برای مهار آثار انفجار، بحران و انفجار حالت خطرناک، یعنی زمانی که جرم محقق شده و حالت خطرناک به حالت مجرمیت تبدیل شده است، اعمال می‌شوند. در این مرحله اقداماتی در مقام جلوگیری از استمرار حالت مجرمیت، به منظور خنثی کردن آثار آن به کار گرفته می‌شود.
- ۴- جرم‌شناسی بالینی، شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که با تأکید بر اصلاح و درمان بزهکار، درصدد جلوگیری از تکرار جرم است.
- ۵- تشخیص نوع مددجو اولین قدم در ارائه خدمت است. چرا که روابط متقابل مددکار و مددجو و اعمال آنها بسته به نوع مددجو و نوع کمکی که خواهان آن است، تغییر می‌کند. مددجویان به طرق مختلف به مددکار اجتماعی مراجعه می‌کنند و این تفاوت در چگونگی مراجعه آنها، ابزار متفاوتی برای حل مشکل آنها را می‌طلبد. برخی از اشکال مراجعه مددجویان، موارد ذیل است:
  - ۱) ارجاع غیررسمی توسط همسایه یا یک آشنا؛
  - ۲) خودارجاعی؛
  - ۳) مشارکت حکمی از طرف دادگاه یا اشخاص ذی‌صلاح دیگر. (جانسون، ۱۳۷۹: ۱۷۹-۲۰۶)
  - ۶- البته گروه‌های هدف در مددکاری اجتماعی منحصر به بزهکاران و زندانیان نیست.
  - ۷- گروه هدف دارای طیف گسترده‌ای است که می‌تواند شامل زنان سرپرست خانوار، زنان خودسرپرست، کودکان بی سرپرست، کودکان بدسرپرست، سالمندان، معلولان، بیماران



- عادی، بیماران خاص، بیماران مبتلا به ایدز، بیماران روانی، زوج‌های متقاضی طلاق، خانواده‌های نیازمند، از کارافتادگان، متکدیان، کودکان خیابانی، زنان آسیب‌دیده اجتماعی و روسپی، کودکان آزاردیده، همسران آزاردیده، معتادان، فراریان از منزل، اورگان و پناهندگان، بلادیدگان از حوادث و بلایای طبیعی و سیاسی، افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، دانش‌آموزان، دانشجویان، کارگران، کارمندان و ... باشند (سام آرام، ۱۳۷۴: ۱۰۵-۱۲۴).
- ۸- مهارت گوش دادن، راهنمایی اشخاص برای ابراز بیانات خود، اندیشیدن به آن چه گفته شده است و خلاصه کردن آن، رو در رو کردن اشخاص با واقعیت‌های موقعیت‌ها، تفسیر و بیان واقعیت‌ها و آگاه کردن شخص از آنها.
- ۹- مهارت در حمایت اشخاص، مهارت‌هایی که در موقعیت‌های بحرانی لازم است به کار رود، تخفیف حالات هیجان زدگی و ایجاد شرایط عاطفی و جسمانی آسوده.
- ۱۰- مهارت در حل مشکل، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی ارجاع، الگوپردازی و تدریس و فعالیت.
- ۱۱- مهارت در گوش دادن و حضور در ارتباط برقرار کردن با دیگران، توضیح و تفسیر، بررسی دیدگاه‌ها و درک افراد، شهامت دادن، سؤال کردن و مهارت در پاسخ دادن به احساسات و تجربه‌های دیگران، خلاصه‌پردازی و تنظیم افکار با یکدیگر، شرح و تفسیر و آگاه کردن.
- ۱۲- البته مددکار اجتماعی از مراجع باید در حد توان او انتظار داشته باشد. در غیر این صورت احساس بی‌کفایتی، یأس و سرخوردگی در او تقویت می‌شود، که مغایر با هدف مددکاری اجتماعی است.

## منابع

- بولک، برنار (۱۳۸۰)، *کیفوشناسی*، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، تهران، مجد.
- پرلمن، هلن هریس (۱۳۷۱)، *مددکاری اجتماعی*، ترجمه پریش منتخب، تهران، شرکت سهامی.
- جانسون، لوییز (۱۳۷۹)، *حرفه مددکاری اجتماعی از دیدگاه جامع*، ترجمه محمد حسین بازرگان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سام آرام، عزت‌ا... (۱۳۷۴)، *مددکاری اجتماعی کار با جامعه*، تهران، نقش هستی.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۱)، *مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟*، تهران، موسسه کیهان.
- زاهدی‌اصل، محمد (۱۳۷۳)، *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرجیهای قزوینی، محمد (۱۳۷۳)، *اقدام مناسب برای پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- مافت، مری دابلیو. و خوزه بی اشفورد (۱۳۷۹)، *اصول و مبانی مددکاری اجتماعی*، ترجمه خدیجه‌السادات غنی‌آبادی، تهران، آوای نور.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۷)، *دانش‌نامه جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، *تقریبات درس جرم‌شناسی مقطع دکتری*، به کوشش محمدعلی بابائی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، *تقریبات درس جرم‌شناسی مقطع کارشناسی ارشد*، به کوشش امیر حسین نیازپور، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- هیوز، گوردون (۱۳۸۰)، *پیشگیری از جرم*، ترجمه علیرضا کلدی و محمدتقی جغتای، تهران، سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.